

merican Muslim: The Heritage of Muslim Identity in Shaping the Americas' Civilization

Monir Sadat Madarshahi *

Received on: 21/07/2024

Accepted on: 19/01/2025

Abstract

Purpose: The September 11 attacks contributed to the perception of Muslims in the Americas as foreign adherents of Eastern religions and as a threat to Christian culture. This Islamophobic sentiment has led to policies that bar Muslims from entering the United States. At the same time, many Muslims in the East perceive the Muslim identity in the Americas as being outside of mainstream Islamic thought. This study aims to challenge these perspectives and clarify the complexities surrounding the American and Islamic identities of Muslims in the Americas.

Methodology: This research employs a descriptive-analytical method grounded in identity theories and historical analyses. It is classified as a scientific study of the history of Muslim civilization in the Americas. The study emphasizes Muslims as a cultural group rather than Islam as a religion, thereby excluding topics related to beliefs or religious rituals.

Findings: Historical evidence indicates that Muslims, whether by force or by choice, arrived in the Americas alongside Catholic Christians. Their contributions to the development of American civilization have significantly influenced the American aspect of their Muslim identity, allowing them to transfer elements of their Islamic cultural heritage to this new land. Despite external environmental influences, the profound cultural attachment of American Muslims to Islam remains intact, reinforcing their identity as part of the global *Ummah*.

* Former Research Assistant Professor at the Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
monsadat@gmail.com

Conclusion: The Americas are as much a homeland for Muslims as they are for Christians, and their minority status does not negate this fact. Acknowledging the American identity of Muslims in the Americas is essential for three reasons:

1. It fosters a nuanced understanding of the interplay between Islamic identity and American sociocultural dynamics.
2. It restricts the imposition of external standards for evaluating American Muslims, particularly in the development of Da'wah programs.
3. It encourages researchers to adopt a new approach that accommodates the diversity of Muslim experiences worldwide.

As Diouf's research highlights, African Muslims in the Americas have successfully maintained their beliefs and practices while promoting Islamic values through unique cultural names and forms. The diversity and multiplicity of American Muslim communities are so extensive that achieving convergence through the unification of beliefs and rituals seems unrealistic. Scholars should broaden the scope of Islamic studies, as Talal Asad suggests, by reaching a consensus on foundational Islamic principles that reflect the lived experiences of American Muslims. Furthermore, American Muslims are uniquely positioned, possessing firsthand experience with modernity, nation-state governance, and democracy. These experiences offer critical insights that can enhance the study of Islamic civilization and address developmental challenges. Continued neglect of their contributions deprives the Ummah of valuable lessons from this successful segment of the global Muslim community.

Keywords: Islamic Identity, Ummah, The Americas, Muslims, Islam, American Identity.

مسلمانان آمریکایی: میراث هویت مسلمانی در توسعه تمدن قاره آمریکا

منیر سادات مادرشاهی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

چکیده

واقعه یازدهم سپتامبر سبب شد تا مسلمانان در قاره آمریکا حاملان دینی شرقی و تهدیدی خارجی برای فرهنگ دنیای مسیحی به نظر بیایند. این تفکر اسلام‌هراسانه تبدیل به اسلام‌ستیزی شد و تا منع ورود مسلمانان به کشور آمریکا هم پیش رفت. سایر مسلمانان در شرق هم هویت مسلمانی در آن سرزمین را خارج از جریان فکری و پژوهشی اسلام می‌بینند. پژوهش حاضر بر آن است تا این دیدگاه‌ها را به چالش بکشد؛ به عبارت بهتر می‌خواهیم بدانیم چرا هر دو هویت آمریکایی و اسلامی مسلمانان این خطه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

روش پژوهش توصیفی تحلیلی بر پایه نظریه‌های هویت و پژوهش‌های مکتوب در این خصوص بوده است. بررسی‌ها نشان داد که حضور مسلمانان، به اجبار یا اختیار، هم‌زمان با مسیحیت در قاره آمریکا اتفاق افتاده است. حضور تاریخی و کنشگری در ساختن تمدن سرزمین جدید هویت آمریکایی مسلمانان ساکن را تثبیت کرده است. همچنین علی‌رغم تأثیرهای محیطی، وابستگی فرهنگی مسلمانان آمریکایی به جریان اصلی امت اسلامی در هویت و لایه‌های آشکار و پنهان زندگی آن‌ها وجود دارد و از این رو عضوی از پیکر امت اسلام محسوب می‌شوند. این پژوهش زمینه را برای جامعیت بیشتر مطالعات اسلامی از طریق کشف و مطالعه جوامع متکثر مسلمان آمریکایی فراهم می‌کند؛ زیرا تجربیات و توانمندی‌هایی که مسلمانان آمریکایی در دوران توسعه و مدرنیسم به دست آورده‌اند، می‌تواند به غنای مطالعات تمدن اسلامی بیفزاید.

کلمات کلیدی: مسلمانان، اسلام، قاره آمریکا، هویت اسلامی، امت.

* استادیار سابق پژوهشی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

این پژوهش در زمره مطالعات علمی مربوط به تاریخ تمدن مسلمانان در قاره آمریکا رده‌بندی می‌شود. تمرکز مقاله بر مسلمانی و نه اسلام است و از این‌رو مباحث‌های اعتقادی یا مناسک دینی خارج از حوزه بحث این مقاله است. روشن است که از نظر زادگاه تفاوتی میان مسیحیت و اسلام وجود ندارد؛ اما به لحاظ اینکه مسلمانان آمریکا نسبت به مسیحیان در اقلیت هستند،^۱ در کشورهای قاره آمریکا بیگانه قلمداد می‌شوند. مسلمانان قاره آمریکا از این هجمه و برچسب خارجی بودن رنج بسیار دیده‌اند. به خصوص که مسلمانان در جوامع اسلامی هم مسلمانان این سرزمین را به دلیل شناخت نداشتن دگرذیسی‌های ناشی از محیط بر باورها و شیوه متکثر اجرای مناسک، به نوعی انحرافی یا خارج از جریان اصلی امت می‌بینند.

این پژوهش با استفاده از روایت تاریخ کنشگری مهاجران مسلمان آن قاره از یک سو با نمایش شکل‌گیری هویت آمریکایی جمعیت مسلمان آن قاره در طول تاریخ نسبت خارجی به آن‌ها را نادرست می‌داند و از سوی دیگر با ارائه تصویری از هویت مسلمانی آن‌ها که در عین ارتباطی تنگاتنگ با هویت آمریکایی در دل دنیای اسلام رشد و تحول یافته است، به نفی فاصله مسلمانی آن‌ها از جریان اصلی مسلمانی در شرق می‌پردازد. این منظور از طریق توصیف و تحلیل سابقه تاریخی اسکان مسلمانان در سرزمین جدید و شرح کنشگری آنان در ساختن تاریخ تمدن دنیای جدید و بالاخره سابقه ارتباط‌های متقابل مسلمانان آمریکایی و امت اسلام و تأثیر و تأثر میان آن‌ها ممکن شد. به عبارت بهتر مسلمانان آمریکایی هم به لحاظ تاریخ طولانی حضور در آن قاره و هم به خاطر کنشگری فعال و مشارکت در ساختن تاریخ تمدن سرزمین خود هویتی آمریکایی یافته‌اند و به این ترتیب وجه فرهنگ آمریکایی در هویت آن‌ها انکارناپذیر است. علاوه بر آن مسلمانان این قاره در طول تاریخ در گفت‌وگویی مؤثر با خاستگاه اصلی اسلام به سر برده‌اند و نظریه‌ها و چالش‌ها و رویدادهای جهان اسلام هم در پرورش بخش اسلامی هویت آن‌ها دخیل بوده است؛ از این‌رو مانند بقیه مسلمانان عضوی از پیکر امت اسلامی محسوب می‌شوند.

بخش اول با ارائه روایت‌های تاریخی نشان می‌دهد که اسلام هم‌زمان با مسیحیت وارد دنیای

۱. طبق آمار ۲۰۱۰م مؤسسه پو (Pew Research Center, 2011) حدود ۶۱/۷ درصد مسلمانان جهان در قاره آسیا و پاسفیک و ۱۹/۸ درصد آن‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا زندگی می‌کنند.

جدیدی شده است و به همین دلیل در قاره آمریکا دینی خارجی نیست. بخش دوم کنشگری مسلمانان در سیر تاریخ تمدن و توسعه این سرزمین را بازمی‌نماید؛ به عبارت دیگر براساس پژوهش‌های جدید علی‌رغم کم‌توجهی به تاریخ مسلمانان در سندهای تاریخی رسمی می‌توان گفت میراث مسلمانان همچون بخشی از میراث آفریقایی قاره آمریکا به حساب می‌آید. کنکاش در رویدادها و رابطه‌های میان روشنفکران اسلامی و متفکران آمریکایی و آسیایی در بخش سوم روشن می‌کند که جوامع متکثر مسلمانان قاره آمریکا توانسته‌اند از طریق حفظ ارتباط و گفت‌وگوی متقابل با امت هویت اسلامی خود را حفظ کنند؛ بنابراین پژوهشگران مطالعات تمدن اسلامی نباید به بهانه تکرار در شیوه عمل به اسلام و وضعیت اقلیتی آن‌ها در جوامع محل زندگی، خود را از شناخت و استفاده از تجربیات زیسته آن جوامع محروم کنند.

۱. روش و پیشینه تحقیق

این پژوهش کیفی و متکی بر مطالعات و پژوهش‌های منتشرشده در زمینه دین و سیاست و مردم‌شناسی درباره مسلمانان قاره آمریکاست. منابع به‌صورتی انتخاب شده‌اند که پاسخ‌گوی هدف پژوهش باشند. برخی پژوهشگران بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر به دلیل تهدیدی که تحت تأثیر جمعیت روبه‌افزایش مسلمانان در جهان از جانب جوامع غربی احساس می‌شد و برخی دیگر برای نشان دادن سازگاری اسلام با جامعه مدرن و مقابله با اسلام‌هراسی متوجه نیاز به مطالعه در این زمینه شدند. علی‌رغم اینکه بخش چشمگیری از جمعیت مسلمان^۱ جهان در قاره آمریکا اعم از کشورهای لاتین و کاراییب و آمریکای شمالی زندگی می‌کنند، دانسته‌های علمی درباره زندگی مسلمانان آمریکایی بسیار محدود است و در پیوند با مطالعات دنیای بزرگ‌تر اسلام مطرح نمی‌شود. براساس فرضیه‌های غالب مردم قاره آمریکا مسیحی‌اند و مسلمانان ریشه عربی دارند. تثبیت این فرضیه‌ها به دلیل بی‌توجهی در ثبت کنشگری مسلمانان در تاریخ این سرزمین بوده است که شاید عامدانه و تحت فشار کلیسا انجام شده است؛^۲ بنابراین تا قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا محققین توجه جدی به این رشته پژوهشی نکرده بودند. گرچه همان‌طور که چیت وود

۱. World Religion Database. جمعیت مسلمانان در حال حاضر بیش از ۲۵ درصد جمعیت جهان بوده، با

شیب زیادی رو به افزایش است.

2. The Cambridge History of Latin America, 1984-2008.

(Chitwood, 2017) می‌نویسد، در حال حاضر سازمان‌ها و انجمن‌های اسلامی و مسلمانان و غیرمسلمانان منطقه مقاله‌ها و پژوهش‌های فراوانی انجام داده‌اند؛ اما هنوز این مطالعات پراکنده است و به‌صورت برنامه‌ منظم مطالعاتی و در ذیل مطالعات جهانی اسلام جمع‌آوری نشده است؛ بنابراین نیاز جدی برای گسترش این تحقیقات به‌لحاظ نظری و عملی وجود دارد تا ابعاد مختلف جوامع متکثر مسلمان قاره آمریکا اعم از تقابل و هم‌گرایی با امت اسلامی از یک‌سو و روابط با جوامع بزرگ‌تر محل سکونت و ارتباط‌های داخلی میان جوامع مسلمان این قاره از سوی دیگر روشن شود. چیت وود برای تشویق پژوهشگران به این رشته مطالعاتی در آوریل سال جاری به تأسیس مجله‌ای در این خصوص همت گماشته است.^۱

۲. چهارچوب نظری

نظریه‌های بی‌شماری دربارهٔ هویت و عناصر مؤثر بر شکل‌گیری آن مطرح شده است که نکته افتراق آن‌ها عمدتاً به‌لحاظ تأکید بر یکی از عناصر مهم تشکیل هویت افراد یا گروه‌هاست. گوبرنو^۲ (Berdún & Guibernau, 1996, p47) عناصر سابقه تاریخی، همبستگی آگاهانه، فرهنگ و زمین و ادعای حق سرنوشت را مبنای تعلق و ایجاد هویت ملی افراد و گروه‌ها می‌داند. نظریه پردازان دیگری مانند لازلو^۳ در (Tibor Pólya, 2017) و لو و هیلتون در (Liu & Hilton, 2005) تأکید داشته‌اند که تاریخ ملی جماعت‌ها اعم از شکست‌ها، پیروزی‌ها، افتخارها و اتفاق‌های مهم بیشترین تأثیر را بر تعریف افراد از هویت ملی خود می‌گذارد. علاوه بر آن مطالعه ریش و هاپکینز (Reicher & Hopkins, 2001) نشان داد که مشخصاً حادثه‌ها و شخصیت‌هایی که در تاریخ ملی هر جامعه برجسته می‌شوند هم در ساختن هویت ملی افراد نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند.

به‌طور کلی نوع روایت و تاریخ^۴ همچون مهم‌ترین رهیافت برای نظریه‌پردازی دربارهٔ تحلیل هویت گروه‌های اجتماعی به کار می‌رود. فراتر از آن برخی مانند بل (Bell, 1999) و فوریر^۵ و باتلر^۶

1 . The Latin American & Caribbean Islamic Studies (LACIS).

2 . Guibernau

3 . László

4 . Narrative

5 . Fortier

6 . Butler

(Yuval-Davis, 2011, p15) کنشگری^۱ فرد یا گروه در ساختن تاریخ سرزمین را هم عامل مهمی در شکل‌گیری هویت می‌دانند. این نظریه‌پردازان رفتارهای تکرارشونده مربوط به فضاهای اجتماعی و فرهنگی مردم را به مفهوم کنشگری دانسته‌اند که برای ساختن و بازتولید هویت تاریخی و ایجاد وابستگی ملی مهم است. به نظر داویس مفهوم عام‌تری از کنشگری تحت عنوان رهیافت گفت‌وگو^۲ که از باختین^۳ و مکتب شیکاگوی کولی^۴ (Cooley, 1912) و تامید^۵ برای نظریه‌پردازی درباره هویت ملی دنبال شده است، گویاتر است (Yuval-Davis, 2011, p16)؛ زیرا صحنه گفت‌وگو با محیط و شرایط زندگی اعم از کنشگری بوده، برای تحلیل هویت فرد یا گروه رهیافت جامع‌تری است. سرانجام به نظر می‌رسد برای مطالعه و تحلیل هویت ملی استفان شولمن^۶ (آن‌طور که در Grotenhuis, 2016 pp127 آمده است)، مدل‌های اخلاف خود را با جزئیات مطرح کرده است تا نقش عناصر سنت، مذهب، نیاکان و نژاد را هم تحت عنوان وابستگی‌های فرهنگی تاریخی برجسته کند. درمجموع با هر مدلی می‌توان نشان داد که عناصر «تاریخ زیسته» و «کنشگری یا گفت‌وگو» و «وابستگی فرهنگی (مذهبی)» در ساختن هویت دوگانه آمریکایی/مسلمان مهاجران به قاره آمریکا دخیل بوده‌اند.

۳. مفاهیم

مسلمانان آمریکایی: مسلمانان در مقطع‌های مختلفی به قاره آمریکا وارد شده‌اند. در این مقاله عبارت «مسلمانان آمریکایی» به آمریکایی‌هایی اطلاق می‌شود که قائل به اعتقادات بنیادین یا اصول دین اسلام باشند.

تمدن آمریکا: واژه «تمدن» را به جوامع پیچیده‌ای اطلاق می‌کنند که دولت و سیستم مالی و حقوقی و زبان مشترک ارتباطی، معماری، کشاورزی و فناوری پیشرفته داشته باشند. گرچه برخی نویسندگان در قرن نوزدهم مانند آلبرت شوابتر، فیلسوف و کشیش آلمانی، در مقاله «فلسفه

-
- 1 . Performative
 - 2 . Dialogue
 - 3 . Bakhtin
 - 4 . Cooley
 - 5 . Mead
 - 6 . Shulman

تمدن» علاوه بر بخش مادی نیاز به سازوکار توسعه معنوی افراد را هم مد نظر داشت، اما بخش معنوی معمولاً در رشد سازوکارهای حقوقی و عدالت خلاصه شده است. در این مقاله تمدن آمریکا به همین معنا مورد توجه است.

قاره آمریکا: در این پژوهش عبارت «قاره آمریکا» شامل تمام کشورهای آمریکای شمالی، لاتین و کارائیب می‌شود و در متن گاهی به اقتضای جمله «سرزمین یا دنیای جدید» هم نامیده می‌شود.

۴. تاریخ زیسته مسلمانان در قاره آمریکا

یکی از عناصر مهم شکل‌گیری هویت آمریکایی مسلمانان، تاریخ زیسته آنان در قاره آمریکاست. محققان سه دوره مهم برای مهاجرت اجباری یا اختیاری مسلمانان به سرزمین جدید ذکر می‌کنند. اردوغان در کنفرانس ۲۰۱۴م سران جماعت‌های اسلامی آمریکای لاتین در آن کشور ادعای کشف آمریکا را به مسلمانان در سال ۱۱۷۸م نسبت می‌دهد. ایوان واس سرتیما^۱ مدعی است مسلمانان در زمان خلافت عبدالله بن محمد (۹۱۲-۸۸۸م) از بندر اسپانیایی پالوس^۲ به این منطقه راه یافتند و سلطان کشور مالی، ابوبکر دوم، در سال ۱۳۱۰م هم از آفریقا راهی آمریکا شده است (Sertima, 1976, p132). عمر سانتیاگو^۳ (Ramadan-Santiago, 2015, p122) به نقل از عبدالله حکیم کوئیک^۴ هم بر آشنایی مسلمانان با دنیای جدید صدها سال قبل از کاشفان اروپایی اروپایی صحنه گذاشته است. با توجه به اینکه سطح تمدن شرقی در سال‌های مورد بحث به‌غایت بالاتر از دوره رنسانس غرب بود، این ادعا بعید به نظر نمی‌رسد؛ ولی برخی مورخان این حضور را به نام مسلمانان ثبت نکرده‌اند؛ زیرا در آن فشار استعماری مسیحیت انتظار دارند آثاری از معماری اسلامی باقی مانده باشد (Dame, 2013, p76-77). صرف‌نظر از تقدم حضور مروری بر پژوهش‌های مربوط به آن نشان می‌دهد اسلام و مسیحیت هم‌زمان به منطقه معرفی شده‌اند و تقدمی برای ورود مسیحیت نمی‌توان قائل بود.

به نظر می‌رسد تقدم ورود مسیحیت به دنیای جدید تحت‌تأثیر این درک از تاریخ قرار دارد که

1. Ivan Vas, Sertima

2. Palos

3. Omar Ramadan Santiago

4. Abdullah Hakim Quick

اشغالگران همگی مسیحی بوده‌اند؛ درحالی‌که مورخان این موضوع را رد می‌کنند. اسپینوزا^۱ (Espinosa et al, 2017) می‌نویسد: امپراطوری رم^۲ در ۱۶۱۴م مسلمانان اسپانیایی را مخیر به اخراج یا گرویدن به مسیحیت کرد؛ بنابراین برخی از مسیحیان مصلحتی که کاتولیک‌ها به تحقیر آن‌ها را مورهای کوچک^۳ می‌نامیدند، به‌همراه سایر اسپانیایی‌های هم‌وطن خود به آمریکای لاتین راه یافتند. پژوهشگران بر آنند که همین مسلمانان مور در نقش اشغالگر کمک مؤثری در فتح دنیای آرتک‌ها و اینکاها و مایاها در آمریکای لاتین بودند و تأثیر فرهنگی زیادی بر هنر، زبان، معماری و نام شهرها گذاشته‌اند؛^۴ زیرا مورهای اسپانیایی که در تمدن اسلامی‌عربی رشد کرده بودند، در فعالیت‌های تجاری، مشاغل آموزش‌دیده، دادوستدهای ماهرانه و صنایع‌دستی سرآمد بودند؛ ازاین رو دوش‌به‌دوش رقیبان مسیحی خود به‌صورت استعمارگر و کارگزار و مترجم به آمریکای لاتین آمدند و با انتقال تجربیاتشان اسپانیای اندلسی دیگری در مستعمره‌های آمریکای لاتین شکل دادند (Catlos, 2014: 11-421). کوک^۵ از مورها با نام‌های موریس^۶ یا موریسکو هم یاد می‌کند و آن را مترادف با همان مسلمان‌های مخفی می‌داند.^۷ حضور مسلمانان یا موریس‌ها به‌همراه به‌همراه اشغالگران در قاره آمریکا به‌حدی در تاریخ واضح است که ادعای توجیهی اشغالگری

1. Espinoza G. et all.

۲. فلیپ دوم

۳. Moriscos: موریسکوها یا موریس‌ها (مور نام رومی قدیم که عرب‌ها آن را مغرب می‌نامیدند و به نظر کاتلوس، اندلس یا اسپانیا عمدتاً از طریق گرویدن مردم محلی مسلمان شدند و مورها قبل از ورود اسلام به اسپانیا در آنجا ساکن بودند و بعد از تشکیل خلافت اسلامی تعداد نسبتاً کمی از مسلمانان منطقه‌های دیگر به جزیره ایبریا یا اسپانیای کنونی مهاجرت کردند (catlos, 2018, pp. 2-3). مسلمانان سابق و نوادگان آن‌ها بودند که در اوایل قرن شانزدهم به فرمان کلیسای کاتولیک میان گرویدن به مسیحیت یا تبعید اجباری مخیر شدند.

۴. Aztecas, Incas, Mayas: مهم‌ترین قبیله‌ها و نژاد سرخ‌پوستان بومی منطقه آمریکای لاتین قبل از حمله اروپاییان در قرن‌های ۱۵ به بعد.

5. Cook

۶. موریس‌ها هنوز به همین نام در کارایب زندگی می‌کنند.

۷. داستان خارجی خواندن امروز مسلمانان آمریکایی وضعیت آن روز مورها در اسپانیا را تداعی می‌کند که بعد از شکست دولت اسلامی به‌خاطر مذهب خارجی خوانده شدند و با افزودن پیشوند نژادپرستانه سیاه (Blackmoor) به کلمه مور در دوران الیزابتی مسلمانان اسپانیایی را در نظر عامه مردم نسبت به سایر ساکنان خارجی نشان می‌دادند و در مقابل اسپانیایی‌های کاتولیک را با القاب والایی مثل بازپسگیران (Reconquista) وطن می‌ستودند تا اسپانیایی‌های کاتولیک اسپانیایی‌تر از مورها (اسپانیایی‌های مسلمان) تلقی شوند (Catlos, 2018, pp. 2-3).

برای ترویج مسیحیت توسط فاتحان را با تردید مواجه می‌کند. فراتر از آن کوک معتقد است نقش مسلمانان اسپانیایی در ایجاد فهم و درک از هویت اسپانیایی و گسترش امپراطوری اسپانیا حیاتی بود و کاتولیک‌ها گریزی از کمک مورها نداشتند (Cook, 2016, pp1-5). به نظر می‌رسد اگر انگیزه دعوت به مسیحیت را برای اشغالگران مسیحی قبول کنیم، به طریق اولی می‌توان گفت مورها که به‌خاطر اعتقادات اسلامی خود تحت فشار بودند، حضور خود در قاره آمریکا را در ارتباط با مفهوم وظیفه دعوت و گسترش اسلام توجیه می‌کرده‌اند و بنابراین انگیزه‌ای قوی‌تر در اشغال سرزمین جدید داشته‌اند؛ از این رو هنگامی که مقام‌های اسپانیایی متوجه گسترش مناسک اسلامی توسط مورها شدند، به تدریج ورود آن‌ها را محدود و نظام تفتیش عقاید را برای ساکنان برقرار کردند؛ زیرا اتحاد مسلمانان مور و بردگان مسلمان تازه‌وارد خطری جدی محسوب می‌شد. علاوه بر اینکه در آخر قرن شانزدهم ممکن بود دولت عثمانی هم از آن‌ها پشتیبانی کند.

دومین دوره ورود مسلمانان به دنیای جدید با دوران تجارت برده گره خورده است. باید توجه داشت که برده ابزار کار کشاورزی بود و در میان همه ملت‌ها اعم از آفریقایی و اروپایی برای تأمین نیروی کار از قومیت یا پیروان دین دیگر هم رواج داشت. برخلاف تصور عمومی مسلمانان هم در این بازار فعال بوده‌اند. مردم آفریقایی سنگامبیا^۱ را عرب‌های مسلمان ابتدا به‌صورت برده به اسپانیا آوردند. دیوف^۲ تعداد بردگان آفریقایی فروخته‌شده توسط مسلمانان در میان سال‌های ۱۴۸۹ تا ۱۴۹۷م، یعنی زمان قدرت اسلام در اروپا را ۲۰۰۳ نفر تخمین می‌زند (Diouf, 1998, p17). براساس قواعد آن روز اسیران جنگی همچون برده به فروش می‌رفتند و گروه‌هایی از اسیران مسلمان به این ترتیب به مکزیک، کلمبیا و پرو منتقل شدند.^۳ برخی محققین تخمین می‌زنند حدود

۱. Senegambia, officially the Senegambia Confederation - سنگامبیا، با نام رسمی آن کنفدراسیون سنگامبیا، کنفدراسیونی است در اواخر قرن بیستم بین کشورهای غرب آفریقا، سنگال و همسایه آن گامبیا بود که تقریباً به‌طور کامل سنگال آن را احاطه کرده است.

2. Diouf

۳. رهبران قدرتمند آفریقا مانند عبدالرحمن و جابرین سلیمان و عمرین سعید اسامی معروفی در تجارت برده بودند. یکی از شورش‌ها (به نام مرابطون) را که به فروش گروه بزرگی از مسلمانان برای آمریکای لاتین انجامید، نصیرالدین علیه حاکمان کافری که مردم خود را به اروپاییان می‌فروختند، صورت داد. او گفت خدا حاکمان را برای حفاظت از مردم قرار داده است، نه مردم را برای حفاظت از حاکمان. اما وقتی در جنگ از دنیا رفت، وضعیت چنان وحشتناک شد که مسلمانان حاضر بودند خود را برای غذا به بردگی فرانسویان درآورند (Diouf, 1998, pp20-22).

حدود ۱۰ درصد از بردگان فروخته شده مسلمان بوده و از غرب آفریقا به منطقه آورده شده‌اند (Espinosa et al., 2017). علاوه بر اینکه به خاطر اشتراک‌های فرهنگی بندگان از قوم‌های دیگر آفریقایی هم با مسلمانان همراهی داشتند.

برندگان عمدتاً در نتیجه بی‌ثباتی داخلی و قحطی و حمله کشورهای اروپایی به بردگی گرفتار می‌شدند؛ اما موضوع تازه در قرن ۱۶ میلادی این بود که برده‌گیری فقط از سیاهان ادامه پیدا کرد و برای نژادهای دیگر از میان رفت (Diouf, 1998, p17). به نظر می‌رسد این واقعیت که مورها نوعی مسلمان با فرهنگ اسپانیایی بودند، در سرزمین جدید همچون دین رقیب برای مسیحیت مطرح شدند. از این رو به ظن نفوذ اسلام طبق فرمان سلطنتی ۱۵۴۳م انتقال برده به صورت مستقیم از منطقه‌های تحت نفوذ اسلام ممنوع شد و دولت اسپانیا پنج فرمان سلطنتی در طول ۵۰ سال علیه حضور مسلمانان صادر کرد؛ بنابراین در اول قرن شانزده میلادی اولین بندگان آفریقایی مسیحی شده یا لادینوها^۱ وارد کشورهای آمریکای لاتین شدند؛ البته مستعمره‌های انگلیسی و فرانسوی شاید به دلیل قدرت کنترل بیشتر بر بندگان یا اولویت نیازهای اقتصادی ملاحظات دینی را کنار گذاشته بودند و محدودیتی در این منطقه‌ها برای حضور بندگان مسلمان یا به اصطلاح آنان محمدیان^۲ نبود؛ گرچه بالاخره نیاز شدید به نیروی کار و محدودیت انتخاب برده فرمان‌های سلطنتی را تضعیف کرد و مورخان شاهد هایی دارند که بندگان مسلمان آفریقایی نیجریه و قبیله‌های هاوسا^۳ و یوروبای^۴ به برزیل وارد شدند. تعدادی از بندگان به دلیل زندگی در جوامع متمدن اسلامی سطح بهتری از آموزش داشتند و زمانی که اکثر مردم سفید برزیل بی‌سواد بودند، بندگان آفریقایی زبان عربی را در

۱. Ladinos: از این واژه برای اسپانیایی‌تبارهایی که ساکن آمریکای مرکزی شده و شیوه زندگی غربی را اتخاذ کرده بودند، استفاده می‌شود.

۲. Mohammedan: محمدی اصطلاحی است برای پیروان محمد، پیامبر اسلام که هم در مقام اسم و هم در جایگاه صفت استفاده می‌شود و به معنای متعلق یا مربوط به محمد یا دین، عقاید، نهادها و اعمالی است که او ایجاد کرده.

۳. Hausa: گروه قومی بومی در غرب آفریقا است که به زبان هاوسا صحبت می‌کنند که بعد از عربی دومین زبان رایج در خانواده زبان‌های آفریقایی آسیایی است.

۴. Yoruba: یوروباهای حدود ۳۰ درصد از کل جمعیت نیجریه را تشکیل می‌دهند و این قوم حدود ۴۰ میلیون نفر از سراسر جمعیت آفریقای جنوبی هستند. دین آن‌ها آریشا و اسلام و مسیحیت است.

شرایط سخت برای انجام وظیفه‌های دینی به هم می‌آمویختند و بردگان بسیاری را هم در برزیل به اسلام دعوت کردند (Reis, 1993).

شاهد‌های دیگری هم بر ورود هم‌زمان اسلام و مسیحیت در سرزمین جدید گواهی می‌دهد. گومز در کتاب *هلال سیاه: تجربه و میراث مسلمانان آفریقایی در قاره آمریکا* (Gomez, 2005, p100) و دیوف در مقدمه‌ای که برای پانزدهمین چاپ کتاب خود، *خدمتکاران/الله*، نوشته است حضور هم‌زمان مسلمانان آفریقایی در کنار مسیحیان در باهاماس، برزیل، بلیز، کاریاکو، کوبا، جمهوری دومینیک، گرانادا، گوالادوپه، گینه، هائیتی، جامائیکا، مارتینیک، مونتسرات، پاناما، پرو، سنت کروکس، توباگو، ترینیداد و آمریکای شمالی را به همراه میراث مسلمانی آن‌ها به تصویر کشیده‌اند (Diouf, 1998, p6). یافته‌های پژوهشگران معاصر با یادداشت‌های مبلغان پروتستان که بعدها وارد سرزمین جدید شدند، تقویت می‌شود. آن‌ها در گزارش‌های ۱۹۱۶م خود تعداد مسلمانان در برزیل را حدود صد هزار نفر ذکر کرده‌اند (Karam et al., 2015, p57). علاوه بر ورود بردگان مسلمان، سرسختی آن‌ها در حفظ باورهای دینی چالش مهمی در برابر کلیسای کاتولیک محسوب می‌شد؛ زیرا بردگان مسلمان عموماً از طریق متن‌های اسلامی با مسیحیت آشنا شده بودند و باورهای خود را برتر از مسیحیت می‌دانستند. کشیشی یسوعی به نام شوویارد^۱ در ۱۶۵۸م در گوالادوپه^۲ و ژان بابتیست لابات^۳ در ۱۶۹۳م و پنجاه سال بعد پدر ویدائود^۴ در گزارش‌های خود به سرسختی مسلمانان در تغییر دین اذعان کرده‌اند (Diouf, 1998, pp73-74). همچنین گزارش‌های کشیشان در ۱۸۶۰م حاکی از آن است که سیاست‌های کلیسای کاتولیک در عمل قادر به تغییر باورها و ایمان بردگان نبود (Fletcher & Kidder, 2006, pp136 & 336).

موج سوم ورود مسلمانان به دنیای جدید را مهاجران مسلمان در نقش کارگران مستقل در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی رقم زدند (Diouf, 1998, p49) که به آبیاری ایمان و تداوم اسلام ساکنان آن سرزمین مدد رساند. ردیابی ورود مسلمانان به قاره آمریکا از آن جهت حائز اهمیت

۱. Father Chevallard

۲. جزیره‌ای کوچک در آنتیل که اکنون متعلق به فرانسه است.

۳. Jean Baptiste Labat: روحانی، گیاه‌شناس، نویسنده، کاشف، قوم‌شناس، سرباز، مهندس و مالک زمین فرانسوی بود.

۴. Vidaud

است که بر حق همسان مالکیت تاریخی مسلمانان بر سرزمین جدید صحنه می‌گذارد. علاوه بر اینکه با همه مانع‌هایی که حاکمیت مسیحی ایجاد کرده بود، ورود مسلمانان به سرزمین جدید از زمان کشف تاکنون هیچ‌گاه قطع نشده است. به عبارت بهتر حضور مسلمانان از مورس‌ها و بردگان و خدمتگزاران مستقل شروع شده و با ورود نیروهای کار از جنوب آسیا و مهاجران عرب در قرن‌های نوزده و بیست ادامه یافته است. دیوف که در خدمتگزاران /الله تاریخ اسلام را از قرن پانزده میلادی بررسی کرده است، نه تنها ادعای غریبه و دشمن بودن اسلام در آمریکا را مردود می‌داند، بلکه اسلام را بعد از مذهب کاتولیک دومین دین یکتاپرستی می‌داند که به تمام دنیای جدید معرفی شده است (Diouf, 1998, pp2 & 251).^۱ از آنجاکه اسلام به علت فشارهای کلیسا و دولت‌های اروپایی همیشه دین اقلیت باقی ماند، هیچ‌گاه به دینی حاکم و رسمی در آن سرزمین تبدیل نشد؛ بنابراین فقط با سلاح صلح‌آمیز دعوت انتشار یافت. محبوبیت اسلام در مقابل مسیحیت که با اجبار دستگاه‌های تفتیش عقاید کلیسا همراه بود، روزافزون شد و با جذب آمریکایی‌های مهاجر در وطن جدید هم وسعت یافت.

۵. کنشگری و میراث مسلمانان در تمدن قاره آمریکا

کنشگری یا گفت‌وگو با محیط زندگی یکی دیگر از عناصر اساسی در شکل‌گیری هویت است که برای مسلمانان ساکن قاره آمریکا ردیابی‌شدنی است. براساس مطالعات جدید بود که باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده، اذعان کرد که مسلمانان در آمریکا مثل بسیاری از مهاجران دیگر در شکل‌دهی به آمریکای حاضر سهم بوده‌اند.^۲ تحقیق‌های باارزش این حوزه بیانگر این است که ما از ابتدای کشف قاره آمریکا با ماتریسی از تأثیرهای متقابل میان مسلمانان از یک‌طرف و محیط و شرایط قاره آمریکا از طرف دیگر روبه‌رو هستیم. به عبارت بهتر برخلاف نظر غالب، اسلام در آمریکا تافته‌جدابافته‌ای نبوده است، بلکه میان اسلام و تمدن روبه‌رشد آمریکا قصه‌ای از رویارویی‌های تاریخی درهم‌تنیده اعم از چهره‌به‌چهره و مراوده‌های فکری وجود داشته است. از این‌رو تفکری که اسلام و تمدن آمریکا را در مقابل هم قرار می‌دهد، درواقع تاریخ تأثیر و

۱. قبل از یهودیت و پروتستانیسم

۲. در میهمانی افطار کاخ سفید برای مسلمانان آمریکایی

عملکرد مسلمانان در سرزمین جدید را انکار می‌کند. بی‌جهت نیست که عایشه خان^۱ مورخان رسمی این حوزه را به‌خاطر غفلت از ثبت نقش کنشگری مسلمانان شماتت می‌کند:

«دیگر چه نوع تاریخ، تحرک اجتماعی و تولید معنایی لازم بود تا اسلام را در این منطقه از دنیا اثرگذار و قابل ذکر بدانید» (Khan, 2015, pp 35 & 21).

یکی از دلایل موفقیت پژوهش‌های جدید تاریخی و قوم‌شناسی در یافتن مشارکت انکارناپذیر اقلیت مسلمان در ساختن سرزمین جدید را می‌توان مرهون رویکرد و راهبرد جدید آن‌ها به این حوزه دانست. پژوهشگران با علم به اینکه مشارکت و کنشگری فرد در محیط طبق‌الگوی معمول در همه جهان بر هویت دینی او هم مؤثر است، از جست‌وجوی مسلمان بر مبنای ظواهر و مناسک اسلامی فراتر رفته‌اند. به عبارت بهتر برای یافتن مسلمان آمریکایی و کشف آثار عاملیت او نمونه مسلمان شرقی را ملاک نگرفته‌اند، بلکه کشف ردپای باورها، ارزش‌ها، عملکردها و سنت‌های اسلامی و جلوه‌های بی‌شمار آن در عمق زندگی آمریکایی‌ها را در دستورکار خود داشته‌اند. این رویکرد موفق شد جلوه‌های اسلامی مخفی اعم از گفتمان‌های محلی با منشأ اسلامی و شکل‌های مناسک اسلامی به‌جامانده و تفکرهای اسلامی را که در زندگی آمریکایی‌ها راه یافته بود، کشف کند. دیوف در *خدمتگزاران الله* پذیرش اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در میان پیروان دین‌های مختلف در قاره آمریکای امروز را ریشه‌یابی کرد و این تساهل و تسامح را در نتیجه ترویج روش‌های مبتنی بر تفکرهای اسلامی همچون بخشی مهم از میراث آفریقایی‌های مسلمان در وطن دوم خود می‌داند (Diouf, 1998, pp 2 & 251).

فراتر از آن نقش مسلمانان در توسعه سیاسی آمریکا از طریق گسترش مبحث‌های عدالت خواهانه و ضدبیدادگری اسلامی به‌خوبی آشکار است. آفریقایی‌ها به‌علت‌های مختلف، مثلاً وجود رسم‌های برده‌داری متفاوت در فرهنگ آفریقایی و نفی اهمیت نژاد در دین اسلام، در نگاهی همذات‌پندارانه بومیان منطقه را هم به افکار خود جلب می‌کردند؛ ازاین‌رو تاریخ سرزمین جدید را با تفکرهای اسلامی قیام علیه ظلم عجین کردند. قیام‌های هیسپانیولا (۱۵۳۲-۱۵۲۲م)، مکزیک (۱۵۲۳م)، کوبا (۱۵۲۹م)، پاناما (۱۵۸۲-۱۵۵۰م)، ونزوئلا، پرو (۱۵۶۰م)، اکوادور (۱۵۹۹م)، گواتمالا (۱۶۲۷م)، شیلی (۱۶۴۷م)، مارتینیک (۱۶۵۰م) و بعدها فلوریدا (۱۸۴۰-۱۸۳۰م) نقش

1. Aisha Khan

حیاتی در گسترش تفکرهای اسلامی داشته‌اند. اسپانیایی‌های استعمارگر همه این قیام‌ها را نتیجه اتحاد مسلمانان با بومیان منطقه دانسته‌اند و به همین دلیل مسلمانان را در کانون اعمال قانون‌ها و مجازات‌ها قرار می‌دادند. دیوف معتقد است تأثیر مقاومت‌های بردگان از هر نوع باعث ترویج باورهای عدالت‌طلبانه اسلامی و نفی برتری نژادی شد که بعدها لغو برده‌داری را تسهیل کرد (Diouf, 1998, pp212-214).

برتری دانش و مهارت‌های مسلمانان نسبت به سایر بردگان هم سبب می‌شد تا از فرهنگ آفریقایی مشترک در میان بردگان بهره‌برداری و آن‌ها را با تفکرهای اسلامی ظلم‌ستیزانه علیه برده داران متحد کنند. برای مثال وقتی در اثر جنگ‌های جهادی عثمان^۱ تعداد ۸۳۰۷ اسیر جنگی مسلمان در سال ۱۸۰۷م از قبیله‌های فولانی^۲، هوسا، ناگو و او^۳ سر از برزیل درآوردند. در همان سال شورش مسلحانه با سلاح‌هایی منقش به عبارت‌های اسلامی شکل گرفت. این شورش‌ها در منطقه‌ها و تأسیسات شغلی مختلف به صورت پی‌درپی تغییرهای زیادی در مدیریت سیاسی حاکمان مسیحی بر جای گذاشت. مجازات‌های سنگین شلاق، اعدام، تبعید و کار سنگین بر مقاومت تأثیری نداشت و منطقه در ۱۸۱۴م شاهد شورش حدود ۶۰۰ هزار نفری تحت رهبری شخصی هوسایی و از مرابطون در مرکزهای ماهیگیری ایتاپوئن^۴ شد. در کمتر از یک ماه بعد در شهر ایگوآپ^۵ دوباره شورش شد.

۱. عثمان دان فودیو (Usman dan Fodio) دانشمند، فیلسوف و معلمی بود که توسط شاگرد خودش یونفاه شاه به تبعید فرستاده شد. او به یک سلسله جهادهایی در میان سال‌های ۱۸۰۳-۱۸۰۵ دست یازید. جهادهای عثمان نزاعی نظامی مذهبی بود که در منطقه نیجریه و کامرون فعلی اتفاق افتاد و بالاخره به تشکیل بزرگ‌ترین خلافت در منطقه آفریقا به نام خلافت سوکو تو در قرن ۱۹ انجامید.

۲. Fulani: فولانی‌ها گروهی قومی در صحرا و ساحل و غرب آفریقا هستند که به‌طور گسترده در سراسر منطقه پراکنده شده‌اند. ساکنان بسیاری از کشورها که عمدتاً در غرب آفریقا و بخش‌های شمالی آفریقای مرکزی، سودان جنوبی، دارفور و منطقه‌های نزدیک به ساحل دریای سرخ در سودان زندگی می‌کنند، ریشه در این قومیت دارند. https://en.wikipedia.org/wiki/Fula_people

3. Nago & Hausa and Ewe

4. Itapoã

۵. Iguaque منطقه وسیع کاشت نیشکر

پژوهشگران حدود ۱۷ شورش با شرکت مسلمانان در میان سال‌های ۱۸۱۶ تا ۱۸۳۰م را ردیابی کرده‌اند که مسلمانان برخی از آن‌ها به‌خصوص مهم‌ترین آن‌ها در باهیا^۱ را رهبری کرده‌اند (Rodrigues, 1932, pp63&39)(Diouf, 1998, pp220&221).

جهاد بزرگ باهیا در رمضان ۱۸۳۵م از آن جهت مهم است که پژوهشگران رهبری آن را به مسلمان‌زادگان آفریقایی یا نسل دوم مسلمانان نسبت می‌دهند و نشان از انتقال ارزش‌های عدالت خواهانه اسلامی به نسل بعدی مسلمانان در قاره آمریکا است (Reis, 1993, pp73-92). گومز در فصل سامبایای برزیل کتاب خود می‌نویسد: «گرچه تعداد مورها و بردگان مسلمان آفریقایی و خدمتکاران اجباری مسلمان^۲ نسبت به بقیه کمتر بود، اما اعتراض آن‌ها علیه شرایط زندگی بلند بود»؛ بنابراین می‌توان گفت تأثیر زیادی در مسیر توسعه سیاسی منطقه داشته‌اند و بخشی از میراث تمدن دموکراتیک در دنیای جدید را می‌توان در نتیجه تفکر و اقدام‌های آن‌ها دانست. آن‌طور که گومز و دیگر پژوهشگران تأکید دارند، کنشگری سیاسی مسلمانان در همه مستعمره‌های اروپاییان وجود داشته و تا نسل دوم بردگان و ظهور شخصیت‌هایی مثل ملکوم ایکس هم ادامه یافته است (Gomez, 2005, p105). مادیو، مورخ ایتالیایی،^۳ بنا بر سندی فرانسوی متعلق به سال ۱۷۷۹م یکی از رهبران مؤثر شورش هائیتی را شخصی مسلمان و مسلط به زبان عربی به نام فرانسوا مکاندال^۴ می‌داند که او را قادر به پیشگویی هم می‌دانستند. گفته می‌شود او احتمالاً از جمله رابطون^۵ بوده است. کنشگری مسلمانان از طریق انتقال سنت‌های نظامی، آموزش عربی،

1. Bahia

۲. خدمتکاران اجباری کسانی بودند که براساس رابطه‌های اقتصادی آن دوره به‌خاطر دین یا قرضی که به کسی داشتند، نیروی کار خود را برای مدتی در اختیار اربابان می‌گذاشتند و از این طریق از منطقه‌های دیگر دنیا (مثلاً آسیا) به سرزمین آمریکا راه یافته بودند.

3. Thomas Madiou

۴. فرانسوا مکاندال از رهبران مارون هائیتی در مستعمره سنت دومینگ فرانسه بود. براساس گزارش‌های معاصر آن زمان او در بازجویی خود چندین بار شهادت عرب‌زبان را تکرار کرد و حتی در بازجویی قبل از محکوم شدن به اعدام آن را برای اسیرکنندگان فرانسوی خود ترجمه کرد.

۵. Marabout: مُرابط به‌خصوص در شمال آفریقا به معنای سید بوده و کسی که نسب او به پیامبر (ص) می‌رسیده است. رابطون محقق قرآن و رهبر مذهبی مسلمانان و معلم بوده‌اند که از لحاظ تاریخی همچون بخشی از ارتش فرهنگی اسلامی به‌خصوص در شمال و غرب آفریقا و صحرا و مغرب خدمت می‌کردند. بعدها با گسترش افکار صوفیانه در اسلام

مهارت‌های خفیه و باورهای عدالت‌طلبانه ضدبرده‌داری در پیروزی انقلاب هائیتی انکارناپذیر است (Diouf, 1998, pp16-17&220).

فراتر از مشارکت در توسعه سیاسی مسلمانان که گاهی از اربابان خود باسوادتر^۱ بودند و ظرفیت‌های شخصی و قومیتی پیشرفته آفریقایی داشتند (Diouf, 1998, pp212-214)، در توسعه اقتصادی منطقه بسیار مؤثر بودند. امام البغدادی^۲ که در نیمه دوم قرن نوزدهم از برزیل دیدن کرده است، بخشی از سفرنامه خود را به شرح اهمیت و تأثیر قواعد اسلامی بر فعالیت‌های اجتماعی به‌خصوص در کسب‌وکار اختصاص داده است (Guzmán, 2011, pp53-55) که با توجه به شباهت آب‌وهوایی مناطق گرمسیری قاره آمریکا با برخی مناطق آفریقا، بردگان دانش کشاورزی و مهارت‌های قبیلگی و سنت‌های کشاورزی آفریقا را به منطقه انتقال دادند. مسلمانان باسواد به سطح‌های بالاتر مدیریت و کشاورزی می‌رسیدند و امکان اعمال دانسته‌های علمی خود را می‌یافتند. سنگامیان مسلمان تکنیک‌های کاشت و آبیاری به‌خصوص برنج آفریقا را رواج دادند و بردگان باسواد مسلمان نقش اساسی در رشد کشاورزی در پایین رودخانه می‌سی‌سی‌پی ایفا کردند. از آنجاکه سرخ‌پوستان بومی با اسب آشنایی نداشتند، مهارت آفریقایی‌ها در رام کردن اسب و نگهداری گله برای اقتصاد منطقه و حمل‌ونقل حیاتی بود (Gomez, 1998, pp40-52&85). برایان کاتلوس^۳ (Catlos, 2014, p420) سه بخش از کتاب خود را به ثبت مشارکت و تأثیر مسلمانان در همه رکن‌های مدیریت اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی علی‌رغم فشارهای طاقت فرسا و تبعیض‌ها و محرومیت‌های کلیسایی اختصاص داده است. او دریافته است که علت اصلی حضور اقلیت مسلمان در گراندای قرن پانزدهم نیاز به مهارت آن‌ها در برخی صنعت‌های کلیدی مثل ابریشم بوده است (Catlos, 2014, p421). براساس مطالعات جروسا علی^۴ (Ali, 2015, p188) حدود ۱۰ درصد از بردگان ورودی میان سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ مسلمان بوده‌اند که

غرب آفریقا نقش روابط با نقش مرشدهای صوفی یا رهبران جامعه‌های مذهبی تلفیق شد. طریقت مسلمانان (برادران مذهبی صوفیانه) که یکی از شکل‌های اصلی سازماندهی اسلام غرب آفریقا است، در سراسر سنگامیا ترکیب شد.

۱. سواد یکی از مختصات اسلام در ورود به هر جامعه‌ای بود؛ بنابراین بردگان مسلمان از این نعمت بهره‌مند بودند و زبان مشترک عربی را هم آموخته بودند.

2. Abd al-RahmanAl-Baghdadi

3. Catlos

4. Jerusa Ali

مهارت‌های زادگاه خود را در مزرعه‌های پنبه، الوار و معدن‌های نمک، صنعت‌های قند و قهوه و معدن‌ها و صنعت‌های دیگر به کار گرفته‌اند. گفت‌وگو و کنشگری مسلمانان با محیط تازه گرچه شامل تاریخ پردرد و رنجی از برده‌داری بود، پیشرفت‌ها و دستاوردهایی هم برای آن‌ها به ارمغان آورد که احساس تعلق به موطن جدید و هویت تازه آمریکایی را به‌گونه‌ای تثبیت کرد که نه تنها فکر بازگشت به موطن آباواجدادی را از میان برد، بلکه ملی‌گرایانی هم در موطن جدید آفرید.

میل قوی به آزادی و درک نیاز به همکاری در جریان کنشگری مدنی و سیاسی رابطه‌های تنگاتنگ میان مسلمانان و سایر هموطنانشان برقرار کرده بود، اما به‌لحاظ فرهنگی آموزه‌ها و داستان‌ها و وعده‌های بهشت در قرآن تا حدی در نزد مسلمانان قوی بود که تأثیر غالب خود را بر سنت‌ها و مذهب‌های دیگر گذاشت؛ به‌طوری که در شمال آمریکا شهرهایی با مفهوم دروازه بهشت برای خدمت به بردگان آزادشده یا فراری ساختند. باورهای اسلامی موجود در قرن نوزده میلادی نوعی فرهنگ شرق‌گرایی عجیب مبتنی بر آموزه‌های دگرگون‌شده اسلامی همراه با تجمل‌پرستی دوران عباسیان را در میان متنفذین سیاه و حتی سفیدپوست و با اعقاب مسیحی رواج داد. ملی‌گرایان سیاه پوستی مانند مارتین دلانی تلاش کردند تا سنت‌های گذشته خود را تحت لوای اسلام زنده کنند. ردپای باورها و مناسک اسلامی در انجمن ماسون‌های سفیدپوست مسلمان آمریکا که خود را شراینر^۱ می‌خواندند، به‌خوبی نمایان شد. این انجمن با عنوان «نظام عربی باستانی نجبای زیارتگاه صوفیانه»^۲ فعالیت خود را با ایجاد معبدی به نام مکه در شهر نیویورک در سپتامبر ۱۸۷۲م شروع کرد. آن‌ها در ۱۸۷۶م معبد دمشق را در روچستر^۳ و معبد کوه سینا را در مونت پلیر^۴ و معبد القرآن را در کلیولند^۵ ساختند و به تدریج آمریکا را با مجموعه‌ای از زیارتگاه‌ها با نام‌های عربی مزین کردند.^۶ آن‌ها برخی از مرکزهای عبادت و سبک اولیه بناهای مورس‌های مسلمان اسپانیایی و

۱. زائران معادلی است که برای کلمه (Sheiners) انتخاب شده است و معادل ماسون یا فراماسون اروپایی است. زائران آمریکایی به‌عکس فراماسون‌های اروپایی بر گذشته شرقی به‌جای سنت‌ها و افسانه‌های رم قدیم متکی بودند.

2. Ancient Arabic Order of the Nobles of the Mystic Shrine (AAONMS)

3. Damascus in Rochester

4. Mt. Sinai in Montpelier

5. Al Koran in Cleveland

6. Oriental in Troy, Syrian in Cincinnati, Syria in Pittsburgh, Ziyara in Utica, Kaaba in Danvenport, Moslem in Detroit, Medinah in Chicago etc. (Dorman, 2015, p.52)

مسجدهای آنها را زنده کردند. زائران در سال ۱۸۸۳م با ایجاد معبد اسلام در سانفرانسیسکو به ساحل‌های غربی آمریکا هم گسترش یافتند و سلسله معبدهای ایجادشده با نام‌های اسلامی و عربی^۱ هر ساله ادامه می‌یافت. زائران سفید به قدری به دین اسلام معتقد بودند که ادای شهادتین و سفر مکه را در مراسم گرویدن به انجمن شبیه‌سازی کرده بودند؛ اما هنوز فرهنگ جدایی میان سیاه و سفید علی‌رغم لغو برده‌داری از میان نرفته بود. از این رو سیاست انجمن با استناد به برابری نژادی در اسلام و التزام ناکافی به شریعت مورد نقد قرار گرفت (Dorman, 2015, pp58&53). از این رو سیاهان خواستار تشکیل انجمن مخفی دیگری به نام «نظام باستانی عربی مصر نجبای زیارتگاه صوفیانه (AEAONMS)»^۲ شدند. وکیل سیاه‌پوست مسلمانی به نام جورج جونز^۳ که خود را «نجیب رفعت پاشا»^۴ نامید، به همراه سه نفر دیگر از مسلمانان سوریه و فلسطین و شمال آفریقا با تلاش فراوان مجوزهای لازم برای ایجاد نسخه سیاه زائران را در سال ۱۸۹۳م از لندن گرفت. این تشکیلات در پایان سال ۱۸۹۳م توانست نام شهرهای مهم دنیای اسلام را به شهرهای سیاه‌پوست نشین ایالات متحده بیاورد. آنها معبد مکه را در واشنگتن و مسجد مدینه را در نیویورک پایه گذاری کردند. جالب‌تر اینکه اعضای هر دو انجمن با خلق اسطوره‌هایی خود را به خاندان‌های مکه و پیامبر اسلام متصل می‌کردند و باورهای اسلامی با صبغه فرهنگ صوفیانه و سهل‌گیری بر امور دنیوی را ترویج می‌کردند. شراینرها لباسی شرقی با کلاهی شبیه مراکشیان می‌پوشیدند و عمدتاً به امور خیریه تشویق می‌کردند. هنوز چندین بیمارستان متعلق به شراینرها در آمریکا و مکزیک و کانادا مشغول به کار است. نکته جالب‌توجه این است که در میان تمام زیارتگاه‌های زائران سفید و سیاه در حدود سال ۱۹۰۹م که همه مملو از شیفتگی به باورها و سنت‌های اسلامی

۱. کعبه در داون پورت، مسلم در دیترویت، حلب در بوستون، مدینه در شیکاگو، معبد اسلام در سانفرانسیسکو (در ۱۸۸۳م)، معبد لؤلؤ در فیلادلفیا، زیارتگاه اورشلیم در نیواورلئان، زیارتگاه عثمان در سنت پل، زهره در مینی‌پولیس، کوثر در لوئیس ویل و

LU Lu in Philadelphia, Bourmi in Baltimore, Kosair in Louisville, Jerusalem in New Orleans, Osman in St. Paul, Zuhrah in Miniapolis, etc. in 1888 three more lodges joined San Fran- cisco's Islam Temple on the West Coast: Al Kader in Portland, Al Malaikah in Los Angeles, and Afifi in Tacoma, Washington. That year also saw the birth of Algeria in Helena, Montana; Yaarab to Atlanta وغيره (Dorman, 2015): 52-53

2. Ancient Egyptian Arabic Order of the Nobles of the Mystic Shrine (AEAONMS).

3. George Jones

4. Noble Rofelt Pasha

می‌نمود، سه معبد با نام‌های غیرعربی اورشلیم در بالتیمور و پیرامید در فیلادلفیا و معبد فارس در ایندیاناپولیس به چشم می‌خورد که نشان از تساهل عقیدتی و همزیستی و ادغام باورهای دینی در شرایط محیطی آن‌ها دارد. به نظر می‌رسد با پایان جنگ جهانی اول و افول امپراطوری عثمانی دوره شیفتگی به شرق و باورهای اسلامی در قاره آمریکا هم به محاق رفت که نشانی از تأثیر مسئله‌های امت اسلام بر مسلمانان آن خطه هم هست.

بنا بر آنچه گذشت، تأثیر باورهای مسلمانی در روندهای نهاده‌سازی دموکراسی و روش‌های عقلانی مدیریت و شکل‌های دموکراتیک و منطقی مخالفت سیاسی در قاره آمریکا مشهود است. امروزه تقریباً دوسوم مسلمانان قاره آمریکا مهاجران یا فرزندان مسلمانانی هستند که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند و یک‌سوم آن‌ها سیاه یا اقلیت‌های نژادی قومی دیگر هستند. (Espinosa et al., 2017). اسپوزیتو معتقد است که با توجه به جمعیت حدود پنج‌میلیونی مسلمانان در آمریکا و افزایش رتبه اسلام به دومین دین در نیمه اول قرن بیست‌ویک میلادی در این قاره دیگر نمی‌توان مدعی بود که مسلمانی متعلق به خاورمیانه یا آفریقا و آسیاست (Jacob Neusner, 1994, p173). سایت‌ها و نشریه‌های مربوط به مسجدهای مسلمانان در سراسر قاره آمریکا نشان می‌دهد که مسلمانان آمریکایی کنونی هم اعم از مهاجران تازه و گذشته در کنشگری مثبت یا تعامل صلح آمیز با محیط جامعه‌های خود را خلاقانه نوسازی می‌کنند و بر اقتصاد و سیاست و مذهب محیط معاصر خود در سطح ملی و فراملی و منطقه‌ای تأثیر می‌گذارند. همان‌گونه که در بخش بعدی بیان می‌شود، این تجربیات در جوامع چندفرهنگی قاره آمریکا متقابلاً بر باورهای اسلامی آن‌ها مؤثر بوده است. شبیه نمونه انجمن زائران ما شاهد شکل‌گیری جوامع مسلمان پیچیده و چندفرهنگی و متنوع دیگری با درجه‌ها و روش‌های مناسبی متفاوت در سراسر قاره آمریکا هستیم؛ اما درعین حال می‌توان گفت این جوامع عضویت پیکر بزرگ امت اسلامی را از طریق ارتباط مستمر حفظ کرده‌اند؛ زیرا مهاجران تازه از کشورهای اسلامی در چندین موج از اواخر قرن نوزده تا اوایل قرن بیستم از ورود مستمر نیروهای کار مسلمان گرفته تا پناهندگان فلسطینی در ۱۹۴۸م و مهاجرت گروه‌های کوچک در ۱۹۶۵م باورهای اسلامی منطقه آمریکا را تغذیه کرده‌اند.

۶. مسلمانان قاره آمریکا در امت و امت در قاره آمریکا

وابستگی فرهنگی از طریق ارتباط با خاستگاه اصلی اسلام و مسلمانان و تأثیر و تأثر متقابل عنصر سوم است که در شکل‌گیری بخش اسلامی هویت مسلمان آمریکا بررسی می‌کنیم. گرچه ردپای باورها و مناسک و ارزش‌های اسلامی در ترکیب هویتی حتی جامعه‌های بی‌نام‌ونشان مسلمانی هم وجود دارد، باید یادآور شد که پژوهش‌های جدید بر تعریفی حداقلی از مسلمانی و در حد ایمان به باورهای اسلامی یا شهادتین تکیه دارند. براین اساس جان توفیق کرم معتقد است مسلمانان قاره آمریکا اعم از موریسکو، مدینگو، هندی، سرخ‌پوست، عرب، آمریکای لاتینی، کاراییبی و غیره را باید به‌صرف ایمانشان عضوی از امت بزرگ اسلامی محسوب کرد؛ زیرا شواهد توفیق و اسپینوزا نشان می‌دهد فرهنگ مسلمانی در جریان گفت‌وگو با جامعه و سیاست قاره آمریکا نه تنها خود دچار تحول شده است، بلکه به لحاظ تفاوت تجربیات تاریخی این تحول از مدل تطور موجود در کشورهای شرقی پیروی نکرده است؛ ازاین‌رو کشف و شناسایی مسلمانان و فرهنگ مسلمانی در قاره آمریکا مستلزم مطالعات عمیق‌تری است (Karam et al., 2015, pp1-2)؛ اما می‌توان ادعا کرد که باورهای مسلمانان آمریکایی همواره به‌وسیله تازه‌واردین آبیاری شده است و گرچه بیشتر مدرک‌های مربوط به بردگان مسلمان از میان رفته است، هنوز اثرهایی برای اثبات شبکه ارتباطی میان بردگان مسلمان و امت اسلام وجود دارد؛ برای مثال رودریگز^۱ توانسته است شاهدهایی بر وجود مسجدی در دوران برده‌داری بیابد که با تصویری از مکه و عبارت‌هایی عربی تزئین شده بود (Rodrigues, 1932, p63). وی عبارتی به خط یوربایی با مضمون «لا اله الا الله» در سال ۱۸۹۶م بر سردر یک قصابی در السالوادور را نمونه زنده بودن مسلمانی در این منطقه می‌داند (Rodrigues, 1932, p165). توفیق کرم هم شاهدهایی ارائه کرده است که نشان می‌دهد بردگان آفریقایی در برزیل از طریق اقامه نماز جمعه باهم مرتبط بودند و به مناسک دینی خود عمل می‌کردند. در این میان سفرنامه بغدادی شواهد منحصر به فردی از حیات مسلمانی و تلاش برای حفظ اعتقادات در آمریکای قرن نوزدهم به دست می‌دهد. امام البغدادی از حضور حدود بیست‌هزار مسلمان در برزیل یاد کرده است؛ اما در ارزیابی اسلام آن‌ها متوجه شد که محیط زندگی اعم از ترس از ابراز مسلمانی و شرایط سخت اجرای مناسک بر اعتقادات اسلامی آن‌ها نسبت به آنچه در منطقه‌های دیگر وجود داشته، تأثیر زیادی گذاشته است؛ بنابراین در مقایسه با اعتقادات و شیوه

1 . Rodrigues

اجرای مناسک خود اسلام آن‌ها را تحریف‌شده^۱ قلمداد کرد (Karam et al., 2015, p57) (Guzmán, 2011, pp73-74&200). به نظر نگارنده اگر براساس تجربه موجود نوع مسلمانی وابسته به محیط زندگی ارزیابی شود، به سختی می‌توان واژه تحریف را برای باورها و ایمان مردمان منطقه‌های مختلف به کار برد. به عبارت بهتر اسلام البغدادی خود آمیخته به فرهنگ آن روز امپراطوری عثمانی بود و نمی‌توانست ملاک صحت اسلام در همه سرزمین‌ها باشد.

پایان دوران برده‌داری آغاز دوران تأثیرگذاری مسلمانان آمریکا بر جهان اسلام را هم رقم زد. نمایشگاه جهانی کلمبوس یا نمایشگاه بزرگ شیکاگو در سال ۱۸۹۳م و تشکیل مجلس دین‌های جهان از ۱۱ تا ۲۷ سپتامبر رویداد دیگری برای اثبات ارتباط داخلی نمایندگان جامعه‌های متکثر مسلمانان قاره آمریکا از یک طرف و همچنین ارتباط آن‌ها با نمایندگان مسلمانان جهان از طرف دیگر بود. این نمایشگاه اولین تجمع نمایندگان سنت‌های دینی و معنوی شرق و غرب جهان بود. میرزا محمدعلی معین‌السلطان از ایران در سفری طولانی از نمایشگاه دیدن کرده و در سفرنامه خود شرحی از شرکت‌کنندگان را یادداشت کرده است.^۲ نمایشگاه رابطه‌های فرافرهنگی و فرانژادی و دوستی میان قوم‌ها و ملت‌ها را ترویج کرد. هارثون،^۳ نویسنده طنزهای نمایشگاه، معتقد است نمایشگاه ملاقات و دوستی میان افرادی از دورترین نقطه‌های زمین را فراهم کرد. در همین نمایشگاه بود که تجربه ۲۵ساله انجمن زائران مسلمان سفید مورد بهره‌برداری مسلمان‌های سیاه پوست قرار گرفت و آن‌ها با کمک سه مسلمان شرقی به نام‌های اس حسین از سوریه، عامل خدر از فلسطین و بلوت از شمال آفریقا^۴ شعبه سیاه‌پوست زائران مسلمان را در همان سال ایجاد کردند (Dorman, 2015, p54).

فعالیت‌های علمی متفکران اسلامی و مسیحی از دیگر مصداق‌های تأثیر متقابل مسلمانان

۱. این دیدگاه تا امروز بر اندیشه مسلمانان شرقی مستولی است و مسلمانان ساکن در هر کشور مسلمانی خود را اصیل و دیگران را انحرافی می‌دانند.

۲. سفرنامه شیکاگو، خاطرات حاج میرزا محمدعلی معین‌السلطنه به اروپا و آمریکا ۱۳۱۰ هجری قمری، به کوشش همایون شهیدی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳، دیباچه.

3. Julian Harthorn

۴. S. Hossein, Amel Kadar, A. B. Belot. گفتنی است که در آن تاریخ سوریه و فلسطین در زمره خاک کشور عثمانی یا ترکیه امروز بودند.

آمریکایی و جهان اسلام در اواخر قرن نوزده میلادی است. در این برهه زمانی تحول‌های فکری جهان اسلام و نگرانی از افول برتری علمی و فرادستی نژاد سفید توجه دانشمندان مسیحی را نسبت به پژوهش درباره اسلام جلب کرد؛ اما همین پژوهش‌ها به‌نوبه خود منبع آگاهی و الهام و ارتباط میان مسلمانان شد. برای مثال سخنرانی ارنست رنان درباره اسلام و علم که در مارس ۱۸۸۳م منتشر شد، ازیکسو جوششی فکری در مسلمانان کشورهای اسلامی به راه انداخت و ازسوی دیگر اشتراک‌های میان مسلمانان قاره آمریکا و امت اسلام را برجسته کرد. ارنست رنان^۱ نگرانی از تفوق علمی مسلمانان را با پیوند میان نژاد و تمدن رد کرد و مدعی شد نژاد اسلام با علم و فلسفه ناسازگار است. ادعای وابستگی اسلام و تمدن به نژاد نه تنها بر رفتار ملی‌گرایان سیاه‌پوست آمریکایی تأثیر زیادی گذاشت، بلکه باب گفت‌وگو درباره اسلام میان شرق و غرب را باز کرد. دویچ^۲ معتقد است به همین دلیل روشنفکرانی از شرق مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی به‌همراه محمد عبده مجله عروة الوثقی را تأسیس کردند و از این طریق گفت‌وگویی میان آن‌ها و ارنست رنان شکل گرفت (Deutsch, 2015, pp95-96). فراتر از آن کتاب‌های خیزش جزرومد نژاد قهوه‌ای علیه برتری جهان سفید و جهان جدید اسلام نوشته نژادپرست مشهور لوتروپ استودارد^۳ در دهه ۱۹۲۰م باعث رشد تفکرهای اصلاح‌طلبانه جدید در درون ملت اسلام شد. جهان جدید اسلام به‌سرعت ترجمه و در دسترس مسلمانان عرب قرار گرفت (Deutsch, 2015, p104). استودارد با استناد به تحول‌های تاریخی و آثار نواندیشان اسلامی نظر خوش‌بینانه امثال رنان را رد کرد و درباره جوشش عظیمی شبیه رنسانس واقعی در جهان اسلام هشدار داد. او معتقد بود تمدنی تازه علیه تمدن مسیحیت در پیش است (Deutsch, 2015, p100). جهان جدید اسلام استودارد مورد استقبال گروه‌های پان‌اسلامیست و پان‌آسیاییست و پان‌آفریقاییست قرار گرفته (Deutsch, 2015, p104)، پای سازمان‌ها و روشنفکران مسلمان آمریکایی را هم به فضای شبکه جهانی گفت‌وگو میان دانشمندان نژادپرست آمریکایی و اروپایی باز کرد؛ بنابراین ادعای دویچ در اینکه مراوده‌های فکری میان روشنفکران مسلمان خاورمیانه‌ای و شرق‌شناسان غربی و مسلمانان آمریکایی تعاملی دوسویه بوده است، خالی از حقیقت نیست؛ زیرا آثار این گفت‌وگوهای علمی

1 . Ernest Renan

2 . Deutsch

3 . Stoddard, Lothrop

الهام بخش کسانی مانند ادوارد ویلموت بلیدن،^۱ نویسنده کتاب مسیحیت، اسلام و نژاد سیاه^۲ درباره آموزه‌های ضد تبعیض نژادی اسلام و هربرت هریسون، مؤسس جنبش جدید سیاهان، در ستایش از اسلام در مقابل مسیحیت شد.^۳ (Deutsch, 2015, pp105-106). هریسون سرانجام از طریق شیخ الاسلام لندن به آموختن عربی پرداخت (Perry, 2009, p372). دویچ حتی معتقد است نقد ملکم ایکس از مسیحیت در سفر حج بیانگر هشدار استوار درباره همبستگی امت اسلام است. او نوشته بود: «هر مسلمانی در هر جای دنیای اسلام کم و بیش در خانه است» (Deutsch, 2015, pp103&107).

در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم و شیوع نهضت‌های ضد استعماری گردهمایی‌هایی مانند کنفرانس آفریقایی آسیایی ۱۹۵۵م در باندونگ اندونزی که سازوکاری برای وحدت در مقابل تهدیدهای استعماری بود، بر همبستگی بیشتر مسلمانان آمریکایی و امت اسلام مؤثر بود. ملکم ایکس در این کنفرانس به نقد استعمار سفیدان پرداخت و کنفرانس را به معنای یکی از مهم‌ترین قدم‌ها به سوی استقلال واقعی مردم رنگین‌پوست دانست (Deutsch, 2015, p110). هم‌افزایی فکری مسلمانان در این کنفرانس‌ها و مراوده‌های دیگر با تفکرهای ضد استعماری و ملی‌گرایانه آمیخته شد و مفهوم جهان سوم که باز هم استوار دارد هشدار آن را داده بود، پس از جنگ جهانی دوم در قامت امت اسلامی شکل گرفت.

مسلمانان آمریکایی درحالی‌که در پی فعالیت‌های هم‌گرایانه و وحدت‌بخش با جهان اسلام بودند، ناگهان خود را با نهضت‌های ملی در جهان اسلام مواجه دیدند. در این دوران هر کشور اسلامی به دنبال استقلال و ساختن هویت ملی با باورها، مناسک، اخلاق و سمبل‌های فرهنگی اسلامی خاص خود بود؛ بنابراین مسلمانان آمریکایی با شبیه‌سازی از استعمار در شرق نهضت پان اسلامیسم یا جنبش «ملت اسلام» را رها کردند و به ساختن هویت اسلامی خاص خود پرداختند و به ملی‌گرایان سیاه اسلامی تبدیل شدند (Curtis, 2006, p38) (Deutsch, 2015, p110).

۱. Edward Wilmot Blyden: یکی از روشن‌فکران بنام آفریقایی آمریکایی در اوایل قرن بیستم و از بنیان‌گذاران پان آفریقاییسم

۲. Christianity, Islam and the Negro Race

۳. نظر هریسون در پیام الیجاه محمد، رهبر حزب «ملت اسلام»، به سیاهان آمریکا آمده است.

هریسون در حمایت از اسلام ملی سیاه‌پوستان در کتاب وقتی که آفریقا بیدار می‌شود مقاومت ملی در تحت لوای اسلام (اسلام ملی) را ستودنی دانست (Deutsch, 2015, p107). به عبارت بهتر درحالی‌که مسلمانان آمریکایی تازه با تأسیس «ملت اسلام» به عضویت امت بزرگ اسلام مفتخر شده بودند، جنبش‌های ملی در کشورهای اسلامی به تلاش‌ها برای وحدت پایان دادند. به‌خصوص که تأسیس نهاد خلیفگی جدید (پس از شکست امپراطوری عثمانی در ۱۹۲۵م) که بتواند امت اسلام را رهبری کند، شکست خورده بود؛ بنابراین مسلمانان آمریکایی نیز مانند دیگر مسلمانان نسخه اسلام ملی خود را ارج نهادند.

پیدایش کشورهای مختلف در جغرافیای جهان اسلام سبب شد تا وظیفه دعوت که توسط سازمان‌ها و حوزه‌های اسلامی مستقر در کشورهای اسلامی به قاره آمریکا صورت می‌گیرد، گرچه هنوز ارتباط میان مسلمانان آمریکایی و امت اسلام را زنده نگه داشته است، متأثر از نسخه‌های متعدد اسلام ملی کشور مبدأ باشد. جانسون (Johnson & Scoggins, 2005) در مقاله خود برای بولتن پژوهش‌های میسیونری مسیحی با رصد مأموریت‌های مبلغان مسیحی و مسلمان نشان می‌دهد که مسلمانان از همه کشورهای و گروه‌های اسلامی تا نیمه سال ۲۰۰۵م حدود ۱۴۱ هزار و ۶۳۰ مأموریت تبلیغی داشته‌اند. وی تأکید می‌کند که مسلمانان تقریباً به هیچ کشوری برای جمعیت مسیحی مبلغ نمی‌فرستند، بلکه کمک‌های مالی و چند رهبر کاریزماتیک یا آموزش‌دیده ماهر را نزد گروه‌های مسلمان در کشورهای دیگر می‌فرستند تا اسلام را زنده نگه دارند و حدود ۸۵ درصد از دعوت گروه‌های تبلیغی مسلمانان درواقع بر مسلمانان دیگر تأثیر می‌گذارند.

بااینکه مسلمانان آمریکایی مانند سایر مسلمانان هویت ملی مستقل ایجاد کرده‌اند، باز هم به‌خاطر وابستگی به جهان اسلام مانند سایر مسلمانان از تأثیرهای مثبت و منفی اتفاق‌های مربوط به جهان اسلام مثل یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱م و دو جنگ عراق و افغانستان و ظهور داعش هم مصون نمانده‌اند. این وقایع مسلمانان این قاره را در تنگنا قرار داد و استفاده از لباس و ابراز عقیده و جمله‌های معنوی و نام‌های اسلامی را تا حدودی بی‌اعتبار کرد. بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر دانش رمانتیک شرق‌شناسی آمریکایی که دو انجمن زائران سفید و سیاه را بنا نهاد، نه‌تنها دیگر مورد اقبال نیست که بار منفی هم دارد (Dorman, 2015, p64). مسلمانان آمریکایی در مقابل هجمه به هویت دینی خود و برای اثبات صلح‌طلبی در برابر هم‌وطنان دیگر به نقاشی روی دیوار با

عبارت‌های صلح‌جویانه می‌پرداختند. با این اوصاف اتفاق مثبتی هم به نفع مسلمانان آمریکایی رقم خورد و به خاطر پوشش فوق‌العاده شبکه‌های رسانه‌ای از مباحثه‌ها درباره باورهای اسلامی توجه بسیاری از مردم نقاط محروم قاره آمریکا به خصوص مکزیک به اسلام جلب شد و این تبلیغ‌ها باعث گرویدن افراد جدید به اسلام هم شد (Montenegro, 2021).

به نظر می‌رسد مهاجرت مسلمانان از کشورهای اسلامی به قاره آمریکا ارتباط و تأثیر هویتی بر مسلمانان آمریکایی را به شکلی دائمی درآورده است. امروزه جوامع مسلمان جدیدی در کشورهای آمریکایی از مهاجران مسلمان از لبنان و سوریه و فلسطین تشکیل شده و به لحاظ تنوع و تکثر نمونه کاملی از تنوع اسلام‌های ملی جهان اسلام را به نمایش گذاشته‌اند. برای مثال تنوع مسلمانی در شیلی حتی شامل گروه‌های صوفی و نقش‌بندی و اهل حق از آسیای مرکزی هم می‌شود (Ingalls & Perez, 2021). چیت وود (Chitwood, 2017) گزارش کرده است که فقط در اجلاس سالانه سران انجمن‌های اسلامی و مراکزهای فرهنگی اسلامی آمریکای لاتین و کاراییب ۳۵ سازمان از جمله مرکز آموزش جامعه مسلمان^۱ در مکزیکوسیتی و سیرکولو اسلامیکو^۲ در سن‌دیه‌گو^۳ برای بحث درباره فعالیت‌های سالانه خود در دومینیکن شرکت می‌کنند. پر واضح است که ارتباط‌های فراملی میان جامعه‌های مسلمان آمریکای شمالی و آمریکای لاتین و کاراییب علاوه بر رشد جوامع مسلمان دیجیتالی در ترینیداد و غیره نشانگر ارتباط تنگاتنگ میان جامعه‌های متکثر مسلمان قاره آمریکا و امت اسلام است. فناوری‌های جدید هم بر شدت مراوده افزوده و زندگی مسلمانان آمریکایی و لاتینی و کاراییب بیشتر از گذشته در داخل شبکه وسیع ارتباط با مسلمانان و غیرمسلمانان در حوزه آمریکا و جهان قرار گرفته است؛ بنابراین همه محققان این حوزه بر آن‌اند که نه تنها باید وجود اسلام و مسلمانان در منطقه‌های مختلف قاره آمریکا را کشف کنند، بلکه باید این پژوهش‌ها را به شبکه بزرگ‌تر مطالعات اسلام در دنیا متصل کنند. علاوه بر آنکه کسانی مانند چیتوود لحاظ کردن تفاوت‌های داخلی میان مسلمانان هر منطقه در مطالعات را هم مهم می‌دانند (Chitwood, 2017). با ادغام این حوزه‌های مسلمانی در حوزه مطالعات اسلامی می‌توان داستان اسلام و مسلمانان در دنیای جدید را در رابطه با دنیای بزرگ‌تر مسلمان بهتر درک کرد.

1 . ANZOURES

2 . CIRD

3 . Sandiego

نتیجه گیری

بنا بر مطالعات تاریخی معاصر دیدگاهی که مسلمانان آمریکایی را حاملان دین و فرهنگ خارجی و بنابراین فرض نادرست آن‌ها را تهدیدی برای فرهنگ مسیحی قاره آمریکا می‌نگرد، ناشی از درکی ناصحیح از تاریخ قرن‌ها زندگی و کنشگری مسلمانان در آن قاره است. همان‌گونه که در مبحث‌های نظری آمد، رویدادهای تاریخی و نوع روایت آن‌ها در ایجاد هویت ملت‌ها و فهم آن‌ها از خود مؤثر است. ثبت‌گزینشی رویدادهای تاریخی مرتبط با مسلمانان توسط حاکمیت مسیحی در قاره آمریکا باعث شده است که ادعای بیگانه بودن این دین در مقابل مسیحیت برای مردم عادی جلوه کند. مایه شرمساری است که کنشگری مسلمانانی که به اجبار یا اختیار در قاره جدید سکنی گزیدند، اعم از فعالیت‌های عدالت‌خواهانه و انتقال تفکرها و شیوه‌های زندگی و تلاش‌های اقتصادی و اجتماعی حتی در دانشنامه تاریخ آمریکای لاتین^۱ نوشته کمبریج هم ثبت نشده است. شاید علت اقبال نداشتن پژوهشگران به مطالعه در زمینه مسلمانان آمریکایی تا قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر ناچیزانگاری ثبت کنشگری آن‌ها در تاریخ‌های رسمی بوده است؛ بنابراین ۱۱ سپتامبر را می‌توان نقطه عطفی در این زمینه دانست؛ زیرا مسلمانان آمریکایی پس از قرن‌ها زندگی ناگهان در سرزمین خود لقب بیگانه گرفتند؛ درحالی‌که قبل از آن حادثه تعامل و اختلاط مسلمانان با جوامع خود به حدی بود که مردم آرژانتین با شنیدن صوت قرآن در مراسم ختم پسر کارلوس منم متوجه مسلمان بودن رئیس‌جمهورشان شدند.

توجه به هویت آمریکایی مسلمانان ساکن در قاره آمریکا از آن جهت مهم است که در نگرش سایر مسلمانان نسبت به آن‌ها تأثیر دارد و فهم بهتری درباره تأثیر طبیعی و اجتناب‌ناپذیر مقتضیات این هویت در باورها و مناسک مسلمانان آمریکایی به دست می‌دهد. به عبارت بهتر همان‌گونه که مسلمانی در همه جهان تحت تأثیر رویدادهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی محیط از یک‌طرف و خاستگاه اولیه خود از طرف دیگر بوده است، مسلمانان در آمریکا هم نسخه‌های آمریکایی فراوانی از مسلمانی وطنی خاص خود و البته در ارتباط با خاستگاه اصلی اسلام ساخته‌اند. از این رو نمی‌توان با محک مسلمانی کشورهای دیگر آن‌ها را قضاوت و از دایره امت اسلامی جدا کرد.

1. Leslie, Bethell, Ed. (1984), *The Cambridge History of Latin America*, Cambridge university press, Uk.

فرا‌تر از آن تنوع و تکثر جامعه‌های مسلمان آمریکایی به قدری زیاد است که به نظر نمی‌رسد امکان هم‌گرایی در جهت تمدن جدید اسلام از طریق دعوت به یکسان‌سازی باورها و مناسک وجود داشته باشد. همان‌گونه که گذشت، حتی جامعه‌های مسلمان کوچک و تازه هم در شیلی تحت تأثیر تنوع مسلمانی ناشی از خاستگاه خود متکثر شده‌اند. این تکثر در همه قاره آمریکا به وضوح به چشم می‌خورد و ما با گروندگان جدیدی مواجه هستیم که به جوامع مسلمان قبلی نمی‌پیوندند؛ حتی گروه‌های مهاجر جدید براساس موطن نخست و طبقه اقتصادی و غیره جامعه و سازمان‌های مخصوص خودشان را تأسیس می‌کنند. از این رو کثرت و تنوع مسلمانی و شکل‌های مختلف مناسک اسلامی در جوامع مسلمان آمریکایی هم‌گراشدنی حول یک نوع مسلمانی استاندارد نیست. وجود این کثرت مسلمانی خود گواه است بر اینکه فعالیت‌های مبلغی دعوت به سبک سنتی هم تأثیری در هم‌گرایی نداشته است. به نظر می‌رسد اگر هدف از وظیفه دینی دعوت ایجاد هم‌گرایی باشد، باید با لحاظ هویت انکارناپذیر ملی مسلمانان آمریکایی و به رسمیت شناختن انواع مسلمانی آن‌ها به تغییر رویکردی جدی تن بدهد. اگرچه آن‌طور که در گزارش کشیش جانسون منعکس شد، هم‌اکنون نیز مبلغان، البته به‌طور غیررسمی، نسخه‌ای تعدیل‌شده از مسلمانی موجود در کشور خود را برای جلب مخاطب در آمریکا و اروپا ارائه می‌کنند.

لازمه تدوین رویکرد تازه مستلزم کار منظم و بابرنامه پژوهشگران در جهت کشف و شناخت این جوامع متکثر است. پژوهشگران باورمند به اجتناب‌ناپذیری تکثر در این جوامع می‌توانند تصویری روشن از جوامع مسلمان قاره آمریکا بر مبنای سنت‌ها و باورهای بنیادین اسلام ارائه و انتقال تجربیات را از طریق کشف راه‌های ارتباطی تسهیل کنند. به نظر می‌رسد فقط در این صورت است که استفاده از تجربیات زیسته مسلمانان آمریکایی در جهت دستیابی به توسعه ملت‌های مسلمان دیگر امکان‌پذیر می‌شود. همان‌طور که پژوهش‌های دیوف (Diouf, 1998) نشان داد، امروزه موفق‌ترین آفریقایی‌تبارها را می‌توان یافت که به باورها و مناسک اسلام پایبندند و حتی برخی از مذهب‌های آفریقایی، گرچه تحت نام‌های خود، باورها و مناسک اسلامی را ترویج می‌کنند و به نظر می‌رسد فرصتی تاریخی در اختیار مسلمانان وجود دارد و ادامه غفلت کنونی امت اسلامی را از تجربیات موفق بخشی از پیکره امت اسلامی در حل چالش‌های توسعه‌ای محروم می‌کند. امروزه پژوهشگران گریزی از این ندارند که شیوه جدید برگزیده، به توصیه طلال اسد اسلام را همچون سنتی گفتمانی ببینند. گفتمانی که از فرهنگ و جنسیت و نژاد گرفته تا موقعیت

سیاسی و اجتماعی و جغرافیایی هر منطقه را درگیر ساختن هویت اسلامی پیروان خود کرده است. با چنین دیدگاهی شعاع دایره مسلمانی افزایش می‌یابد و هم‌گرایی و هم‌افزایی برای امت اسلامی تسهیل می‌شود.

به نظر نگارنده مطالعات جهانی اسلام بدون لحاظ تجربیات زیسته و تولیدهای فکری بخشی از پیکر خود، یعنی جوامع متکثر مسلمان آمریکایی، جامعیت نخواهد داشت. به‌خصوص اینکه مسلمانان آمریکایی فقط بخشی از پیکره امت اسلام هستند که در جریان‌ها و مرحله‌های نوسازی و تشکیل دولت‌ملت و روند دموکراتیک اداره کشور در دنیای مدرن زندگی کرده و صاحب تجربه شده‌اند و ادغام تجربیات آن‌ها در مطالعات جهان اسلام برای همه می‌تواند راهگشا باشد.

تشکر و قدردانی:

سپاس از جناب آقای رضا طباطبایی شفیعی برای کمک در یافتن برخی منابع کمیاب.

تضاد منافع:

ندارد.

References

- Ali, J. (2015). Bahamian and Brazilian Muslimahs: Struggle for Identity and Belonging. In A. Khan (Ed.), *Islam and the Americas*. University Press of Florida. <https://doi.org/10.5744/florida/9780813060132.003.0009>
- Bell, V. (1999). Performativity and Belonging: An Introduction. *Theory, Culture and Society* (Special Issue on Performativity and Belonging). 16(2), 1–10. <https://doi.org/10.1177/02632769922050511>
- Berdún, M. M. G. i, & Guibernau, M. (1996). Nationalisms: The Nation-state and Nationalism in the Twentieth Century. Polity Press.
- Catlos, B. A. (2014). *Muslims of Medieval Latin Christendom, c. 1050-1614*. Cambridge University Press.
- Catlos, B. A. (2018). *Kingdoms of Faith: A New History Of Islamic Spain*.

HURDT & COMPANY, LONDON.

- Chitwood, K. (2017). The Study of Islam and Muslim Communities in Latin America, the Caribbean, and the Americas: The State of the Field. *International Journal of Latin American Religions*, 1, 57–76. <https://doi.org/10.1007/s41603-017-0008-3>
- Cook, K. P. (2016). *Forbidden Passages: Muslim and Moriscos in Colonial Spanish America*. University of Pennsylvania Press.
- Cooley, C. H. (1912). Valuation as a social process. *Psychological Bulletin*, 9(12), 441–450. <https://doi.org/10.1037/h0070870>
- Curtis, E. I. (2006). *Black Muslim Religion in the Nation of Islam, 1960–1975*. University of North Carolina Press.
- Dame, W. F. (2013). *The Muslim Discovery of America*. Books on Demand.
- Deutsch, N. (2015). Fear of a Brown Planet: Pan-Islamism, Black Nationalism, and the Tribal Twenties. In A. Khan (Ed.), *Islam and the Americas* (p. 0), University Press of Florida. <https://doi.org/10.5744/florida/9780813060132.003.0005>
- Diouf, S. A. (1998). *Servants of Allah: African Muslims Enslaved in the Americas*. NYU Press. <https://www.jstor.org/stable/j.ctt9qfp48>
- Dorman, J. S. (2015). Oriental Hieroglyphics Understood Only by the Priesthood and a Chosen Few: The Islamic Orientalism of White and Black Masons and Shriners. In A. Khan (Ed.), *Islam and the Americas*. University Press of Florida. <https://doi.org/10.5744/florida/9780813060132.003.0003>
- Espinosa, G., Morales, H., & Galvan, J. (2017). Latino Muslims in the United States: Reversion, Politics, and Islamidad, 8(1).
- Fletcher, J. C., & Kidder, D. P. (2006). *Brazil and the Brazilians* (1st edition). Routledge.
- Gomez, M. A. (1998). *Exchanging our country marks: The transformation of African identities in the colonial and antebellum South*. University of North Carolina Press.

- Gomez, M. A. (2005). *Black Crescent: The Experience and Legacy of African Muslims in the Americas*. Cambridge University Press.
<https://doi.org/10.1017/CBO9780511802768>
- Grotenhuis, R. (2016). *Nation-Building as Necessary Effort in Fragile States*. Amsterdam University Press. <https://doi.org/10.5117/9789462982192>
- Guzmán, R. M. (2011). El viaje del imam 'Abd al-rahman ibn 'Abd-allah al-baghdadi a brasil en el siglo XIX. El Colegio de México.
<https://libros.colmex.mx/tienda/el-viaje-del-imam-abd-al-rahman-ibn-abd-allah-al-baghdadi-a-brasil-en-el-siglo-xix/>
- Ingalls, M., & Perez, M. V. (2021). Chile has a growing Muslim community – but few know about it. *The Conversation*. <http://theconversation.com/chile-has-a-growing-muslim-community-but-few-know-about-it-165942>
- Jacob Neusner, editor. (1994). *World religions in America: An introduction*. First edition. Louisville, Ky. : Westminster/John Knox Press, [1994] ©1994.
<https://search.library.wisc.edu/catalog/999740992102121>
- Johnson, T. M., & Scoggins, D. R. (2005). Christian Missions and Islamic Da'wah: A Preliminary Quantitative Assessment. *International Bulletin of Missionary Research*, 29(1), 8–12.
<https://doi.org/10.1177/239693930502900102>
- Karam, J. T., Narbona, M. del M. L., & Pinto, P. G. (2015). Introduction: Latino America in the Umma/ the Umma in Latino America. In M. del M. Logroño Narbona, P. G. Pinto, & J. T. Karam (Eds.), *Crescent over Another Horizon: Islam in Latin America, the Caribbean, and Latino USA* (pp. 1–22), University of Texas Press. <https://doi.org/10.7560/302293-002>
- Khan, A. (2015). Contours: Approaching Islam, Comparatively Speaking. In A. KHAN (Ed.), *Islam and the Americas*. In A. KHAN (Ed.), *Islam and the Americas* (pp. 23–46), University Press of Florida; JSTOR.
<https://doi.org/10.2307/j.ctvx07591.6>
- Liu, J. H., & Hilton, D. J. (2005). How the past weighs on the present: Social representations of history and their role in identity politics. *British Journal of Social Psychology*, 44(4), 537–556.
<https://doi.org/10.1348/014466605X27162>

- Montenegro, S. (2021). Experience of Muslims in Latin America. In R. Lukens-Bull & M. Woodward (Eds.), *Handbook of Contemporary Islam and Muslim Lives* (pp. 217–235), Springer International Publishing.
https://doi.org/10.1007/978-3-030-32626-5_17
- Perry, J. B. (2009). *Hubert Harrison: The Voice of Harlem Radicalism, 1883-1918*. Columbia University Press.
<https://www.jstor.org/stable/10.7312/perr13910>
- Pew Research Center. (2011). *Future of the Global Muslim Population: Regional Americas*.
<https://www.pewresearch.org/religion/2011/01/27/future-of-the-global-muslim-population-regional-americas/>
- Ramadan-Santiago, O. (2015). Insha'Allah/Ojalá, Yes Yes Y'all: Puerto Ricans (Re)examining and (Re)imagining Their Identities through Islam and Hip Hop. In A. Khan (Ed.), *Islam and the Americas* (p. 0). University Press of Florida. <https://doi.org/10.5744/florida/9780813060132.003.0006>
- Reicher, S., & Hopkins, N. (2001). Self and Nation: Categorization, Contestation and Mobilization. <https://doi.org/10.4135/9781446220429>
- Reis, J. J. (1993). *Slave Rebellion in Brazil: The Muslim Uprising of 1835 in Bahia*. Johns Hopkins University Press.
- Rodrigues, N. (1932). *Os Africanos no Brasil*. P55 Edição.
<http://gen.lib.rus.ec/book/index.php?md5=EF47F3210CF96FFB0E580CDC78F8CF3B>
- Sertima, I. V. (1976). *They Came Before Columbus: The African Presence in Ancient America* (Reprint edition). Random House Trade Paperbacks.
- Tibor Pólya. (2017). National History Contributes to the Definition of National Identity. *Journal of Psychology Research*, 7(8).
<https://doi.org/10.17265/2159-5542/2017.08.006>
- Yuval-Davis, N. (2011). *The Politics of Belonging*. In [Http://journals.openedition.org/lectures](http://journals.openedition.org/lectures). Sage.
<https://journals.openedition.org/lectures/6961?lang=es>.